نیمه پنهان کشمیر – ۵

احساس مردم مسلمان کشمیر به نمادهای هویت ملی

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

مدتی گذشت و من به عنوان اولین فرزندشان متولد شدم. شغل پدرم به گونه‌ای بود که اکثر مواقع در خانه نبود.

در سرتاسر بعد از ظهر شنبه‌های کودکی من در اواسط دهه ۸۰ میلادی یک جیپ آبی رنگ ویلیز به روستای ما در جنوب کشمیر می‌آمد و پس از عبور از شالیزارهای روستا در کنار خانه سه‌طبقه‌ای توقف می‌کرد.

در روستا رسم شده بود که معمولا خانه‌های طبقات همکف به مغازه تبدیل می‌شدند. روستائیانی که روبه‌روی مغازه‌هایشان نشسته و سرگرم گفت‌وگو در مورد کریکت، سیاست می‌شدند به این جیپ دست تکان می‌دادند در این حین مردی در اوایل سی‌سالگی‌اش با قامتی متوسط یا کت و شلواری آراسته همراه با کراواتی به گردن، دستش را برای آنها تکان می‌داد. اگر شما او را از نزدیک ببینید، می‌توانید چشم‌های فرو رفته آبی رنگ، دماغ تیز، گونه‌های گوشتالو و شکم برآمده‌اش را مشاهده کنید.

علی‌رغم خواب خرگوشی مردم در روستای ما و همچنین ناآگاهی‌ام نسبت به تاریخ سیاسی کشمیر من همانند سایر مسلمانان کشمیر یک نوع حس بیگانگی و خشمی علیه حاکمیت هند (در کشمیر) داشتم. ما هیچ‌گونه احساس پیوندی با ملی گرایی هندی مانند پرچم، سرود ملی، تیم کریکت نداشتیم. ما همه بازی‌های کریکت که بین هند و پاکستان انجام می‌شد را دنبال می‌کردیم اما هرگز روی خوشی به تیم هند نشان نمی‌دادیم. اگر هند و پاکستان مسابقه می‌دادند ما از پاکستان حمایت می‌کردیم، اگر هند با هند غربی مسابقه می‌داد ما از هند غربی حمایت می‌کردیم، اگر هند با انگلیس مسابقه می‌داد ما از انگلیس حمایت می‌کردیم.

پدر سعی می‌کرد با آوردن کتاب‌های مختلف در مورد بچه‌ها همچنین کتاب‌هایی در مورد سیاست، تاریخ و ادبیات انگلیسی مانند داستان‌هایی از شکسپیر یا یکصد کندوی بزرگ، من را آشنا و آماده نگه دارد.

هر موقع پدر به خانه می‌آمد ما با هم این کتاب‌ها را مرور می‌کردیم. یکی از قهرمانان پدرم آبراهام لینکلن بود. او در مورد لینکلن زیاد صحبت می‌کرد اینکه او چگونه با صداقتش توانست با غلبه بر مشکلات رئیس‌جمهور آمریکا شود.

ما طوری برنامه‌ریزی کرده بودیم که یکشنبه‌ها اُتلو، هاملت و «تاجر ونیزی» را می‌خواندیم.

درسال ۱۹۸۸ وقتی من ۱۱ ساله بودم پدر مرا به یک مدرسه دولتی در «عیش مقام» شهر کوچکی دورتر از روستایِ ما فرستاد.

من زیاد با ورزش مانوس نبودم و بیشتر وقتم را در کتابخانه با خواندن استیونسون، دیکنز، کپلینگ و دفو می‌گذراندم.

از آنجا که پدرم به سرینگر مرکز ایالت جامو و کشمیر منتقل شده بود من او را کمتر می‌دیدم اما وقتی در خانه بود با هم بودیم. پدرم به من شعر و شاعری را نیز می‌آموخت.

او چند بیت از شعر را می‌خواند و به من می‌گفت: «اگر معنی و تفسیر آن را بگویی ۲ روپیه به تو می‌دهم». در آن موقع ۲ روپیه جیب خرجی زیادی بود.

یک‌سال بعد در دسامبر ۱۹۸۹ امیدوار بودم که در تعطیلات زمستانی به پدرم در سرینگر ملحق شوم.

ماشین پس از حرکتی آرام در میدان روستا به‌نام «سیر همدان» توقف می‌کرد.

آنگاه پدر در نزدیکی خانه‌ای آجری که در جوار یک بقالی و داروخانه قرار داشت پیاده می‌شد.

روستائیان که در جلوی مغازه نشسته بودند بلند شده با تکان دادن دست می‌گفتند: پیر صاحب آمده است و بدین ترتیب از او استقبال می‌کردند.

پدرم با اولین کسی که در خانه با او دست می‌داد و خوش و بش می‌کرد پدر بزرگم بود. من به‌طرف او دویده و کتاب‌ها روزنامه‌ها و پوشه‌های کاری او را گرفته و به خانه می‌بردم.

پدر مانند همیشه در جای خودش که کنار پنجره‌ای روبه‌روی جاده در اتاق پذیرایی قرار داشت می‌نشست.

من سریع می‌پریدم و از نانوایی محل نان تازه می‌خریدم، مادر هم سریع سماور همراه با چای نمکی کشمیری را آماده می‌کرد.

پدر ضمن آنکه به سؤالاتم پاسخ می‌گفت، داستان‌هایی را از روزنامه‌ها برایم تعریف می‌کرد و مرا تشویق می‌کرد که مطالب و اخبار مجلات و روزنامه‌ها را دنبال کنم. در یکی از این دیدارها او به من گفت که مایل است

وقتی من بزرگ شدم به جرگه کارکنان خدمات دولتی هند بپیوندم من برای این‌کار باید یک آزمون حرفه‌ای بسیار سخت حتی سخت‌تر از خدمات دولتی کشمیر را قبول می‌شدم و در صورت موفقیت دسترسی به مناصب و مقامات بالاتر امکان‌پذیر می‌شد. مادر گفت: «او منابع و وقت کافی برای این‌کار را ندارد».

یک هفته بعد یک گروه از مردان مسلح جوان کشمیری به رهبری یک فعال سیاسی به نام یاسین مالک دختر وزیر کشور هند را به گروگان گرفتند. یاسین مالک و رفقایش خواهان آزادی دوستان (مبارزان) کشمیری از زندان در قبال آزادی دختر وزیر کشور هند شدند. مردم از این حرکت چریک‌های جوان بسیار مسرور شدند.

علی‌رغم خواب خرگوشی مردم در روستایِ ما و همچنین ناآگاهی‌ام نسبت به تاریخ سیاسی کشمیر من همانند سایر مسلمانان کشمیر یک نوع حس بیگانگی و خشمی علیه حاکمیت هند (در کشمیر) داشتم. ما هیچ‌گونه احساس پیوندی با ملی گرایی هندی مانند پرچم، سرود ملی، تیم کریکت نداشتیم. ما همه بازی‌های کریکت که بین هند و پاکستان انجام می‌شد را دنبال می‌کردیم اما هرگز روی خوشی به تیم هند نشان نمی‌دادیم. اگر هند و پاکستان مسابقه می‌دادند ما از پاکستان حمایت می‌کردیم، اگر هند با هند غربی مسابقه می‌داد ما از هند غربی حمایت می‌کردیم، اگر هند با انگلیس مسابقه می‌داد ما از انگلیس حمایت می‌کردیم.

در سال ۱۹۸۷ هند و پاکستان در فینال یک مسابقه کریکت در امارات بازی می‌کردند؛ روز مسابقه فضا و جو حاکم در اتوبوسی که مرا از مدرسه به خانه می‌آورد سرشار از هیجان بود.

مردان، زنان و بچه‌ها در حالی‌که برخی نشسته و برخی ایستاده بودند گوششان به رادیو بود تا از آخرین وضعیت مسابقه آگاه شوند. پاکستان به دنبال یک امتیاز حساس بود و تعداد توپ‌هایی که می‌توانست با آنها بازی کند در حال اتمام بود.

من برای اینکه از نتایج مسابقه آگاه شوم و صدای رادیو را بهتر گوش کنم خودم را به صندلی پشت راننده رساندم، راننده هم در حالی که بی‌محابا تخت گاز می‌راند ولُوم رادیو را زیاد می‌کرد: همه می‌خواستند زودتر به خانه برسند و مسابقه را از آنجا دنبال کنند.

هر موقع که جاوید میانداد، یکی از ضربه‌زن‌های پاکستان توپ را از دست می‌داد، در اتوبوس سکوت حکمفرما می‌شد و مسافران با عصبانیت همه چی بارش می‌کردند و هر وقت او توپ را می‌زد و امتیازی بدست می‌آورد اتوبوس از فرط شادی و خوشحالی مسافران منفجر می‌شد.

بالاخره اتوبوس به مقصد رسید و در یک بازارچه کوچک نزدیک خانه ما توقف کرد.

مردم هیجان‌زده در مقابل مغازه گوشت‌فروشی و داروخانه تجمع کرده بودند. مسابقه داشت تمام می‌شد.

آبو، گوشت‌فروش محله قدیمی لب‌هایش را از شدت هیجان گاز می‌گرفت. من سریع می‌دویدم به خانه برسم تا از کوله‌پشتی مدرسه خلاص شوم.

در اتاق پذیرایی پدر بزرگ، خاله‌ها و مادرم به‌طور دایره‌وار دور یک رادیو نشسته بودند و مسابقه را دنبال می‌کردند مادر بزرگ روی جانمازش به طرف مکه نشسته بود و از خدا طلب پیروزی پاکستان را می‌کرد.

آبو، قصاب محل همچنان در حال گاز گرفتن لب‌هایش بود.

در این هنگام مُفَسر رادیو ناگهان اعلام کرد پاکستان برای پیروزی در این بازی نیاز به سه فرار با یک توپ دارد.

در نهایت پس از اُفت و خیزهای بسیار پاکستان در این بازی به پیروزی رسید و همه مردم همدیگر را در آغوش کشیده، بالا و پایین پریده و اقدام به ترکاندن ترقه می‌کردند.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۷۸

ملاقات آلن دالس با راکفلر در میز ناهار

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

یکی از اولین قمارهای[1] پس از جنگ بنیاد فورد در دیپلماسی فرهنگی بین‌الملل، راه‌اندازی برنامه انتشارات بین‌فرهنگی[2] در سال ۱۹۵۲ زیر نظر جیمز لافلین، ناشر نیو دایرکشنز[3] (که [آثار افرادی چون] جورج اورول و هنری میلر را منتشر کرد) و حافظ محترم منافع [هنر ساختارشکن] آوانگارد بود. لافلین با بودجه اولیه ۵۰۰ هزار دلاری مجله پرسپکتیوز[4] (به معنی دیدگاه‌ها) را راه‌اندازی کرد، که هدفش [جلب نظر] چپ‌های غیرکمونیستی در فرانسه، انگلستان، ایتالیا و آلمان (و به زبان همه این کشورها منتشر می‌شد) بود. او تأکید می‌کرد: «هدف مجله این نیست که روشنفکران چپی را در مناظرات دوطرفه شکست دهد و یا با اقناع [او دلایل] منطقی و زیبایی‌شناختی، آنها را از مواضع خود دور کند. بلکه بیشتر «از طریق افزایش احترام به دستاوردهای غیرمادی آمریکا در میان روشنفکران خارج از کشور، صلح را ترویج خواهد کرد».

برنامه انتشارات بین‌فرهنگی، که هیئت‌مدیره آن مملو از شوالیه‌های جنگ سرد فرهنگی بود، درصدد جلب آن دسته از آمریکایی‌هایی برآمد که احساس می‌کردند کار آن‌ها «با کلیشه غالب آمریکا به عنوان جهنم توده‌ها تضعیف شده». مالکوم کاولی از نخستین حامیان پرسپکتیوز به شمار آمد. این مجله نسخه‌ای از آمریکا را ارائه می‌داد که بسیار متفاوت‌تر از «فیلم‌ها، داستان‌های جنائی پلیسی، کتب و مجلات کمیک که در آن‌ها تصاویر بیشتر از متن هستند» به نظر می‌رسید. یکی از دانشگاهیان به اسم پری میلر استدلال می‌کند که: «هیچ تبلیغی برای شیوه آمریکایی نباید صورت بگیرد. این نادیده انگاشتن، خود تبدیل به مهم‌ترین عنصر تبلیغاتی، به بهترین معنا خواهد شد». پرسپکتیوز هرگز این انتظارات را برآورده نکرد. ایروینگ کریستول از آن به عنوان «مجله بنجل بنیاد فورد» یاد کرد. در پی این شکست، بنیاد فورد به راحتی متقاعد شد که حمایت مالی نشریه درمونات متعلق به لاسکی را بر عهده بگیرد. درمونات باحمایت لوسیوس کلی در اکتبر ۱۹۴۸ تأسیس و با «بودجه‌های محرمانه» کمیسیون عالی آمریکا تأمین مالی شد. این حمایت رسمی، ادعای مستقل بودن مجله را زیر سؤال می‌برد. لاسکی بسیار مایل به یافتن جایگزین برای این یارانه بود و با کمک شپرد استون، از مدیران بنیاد که زیر نظر کلی در آلمان کار کرده بود، نهایتاً از بنیاد فورد قول کمک مالی گرفت و در بیانیه ۱۹۵۴ اعلام کرد: «از این پس ما مطلقاً و کاملاً آزاد و مستقل هستیم».

در ۲۱ ژانویه ۱۹۵۳، آلن دالس که از آینده خود در سیا تحت رهبری آیزنهاور تازه وارد[5] احساس نا امنی می‌کرد، در میز ناهار با دوستش دیوید راکفلر ملاقات کرد. راکفلر به شدت تأکید کرد که اگر دالس تصمیم به ترک سازمان بگیرد، منطقاً می‌تواند انتظار داشته باشد که از او برای ریاست بنیاد فورد دعوت شود. نیازی نیست دالس نگران آینده [شغلی] خود باشد. دو روز بعد از این ناهار، نیویورک تایمز این خبر را رفت که: آلن دالس قرار است رئیس سازمان اطلاعات مرکزی (سازمان سیا) شود.

اندکی بعد، رئیس جدید فورد معرفی شد. او جان مک‌کلوی، نمونه تمام و کمال نفوذ و قدرت آمریکا در قرن بیستم بود. او پیش از ورود به بنیاد فورد، در پست‌های دستیار وزیر جنگ، رئیس بانک جهانی، و کمیسر عالی آلمان قرار داشت. او همچنین در سال ۱۹۵۳ سکاندار بانک چیس منهتن راکفلر و رئیس شورای روابط خارجی شد و بعد از ترور جان اف کندی، منصوب کمیسیون وارن[6] بود. او در طول زندگی حرفه‌ای خود، به عنوان وکیل وال استریتی[7] هفت شرکت بزرگ نفتی و مدیر شرکت‌های متعدد فعالیت نمود.

به عنوان کمیسر عالی در آلمان، مک‌کلوی موافقت کرد که پوششی برای ده‌ها مأمور سازمان سیا، ازجمله لارنس دو نوفویل، فراهم کند. اگرچه آنها رسماً کارمندان او بودند، اما به طور غیررسمی در برابر رؤسای خود در واشنگتن پاسخگو محسوب می‌گردیدند و تعهد چندانی نداشتند که به مک‌کلوی بگویند واقعاً چه کار می‌کردند. مک‌کلوی، مرد کارکشته سیاست، هنگامی که ریاست بنیاد فورد را بر عهده گرفت نگاه عملگرانه‌ای نسبت به علاقه اجتناب ناپذیر سازمان سیا به بنیاد فورد اتخاذ کرد. مک‌کلوی در پاسخ به نگرانی‌های برخی مدیران بنیاد که احساس می‌کردند همکاری/همپالگی با سازمان سیا جایگاه و اعتبار و استقلال بنیاد را تضعیف و خدشه‌دار می‌کند، گفت: اگر ما نتوانیم با سازمان سیا همکاری کنیم، این سازمان به راحتی با جذب یا گماردن کارکنانی در سطوح پایین‌تر به میان ما نفوذ خواهد کرد. راه‌حل مک‌کلوی برای این مسئله، ایجاد یک واحد مدیریتی در بنیاد برای مواجه با سازمان سیا بود. هدایت آن را مک‌کلوی و دو افسر بنیاد بر عهده داشتند. هر بار که سازمان می‌خواست از این بنیاد، چه به عنوان پوشش و یا گذرگاه استفاده کند؛ باید از این سه نفر مشورت می‌گرفت. کای برد، زندگی‌نامه نویس مک‌کلوی توضیح داد: «آن‌ها [مسئله را] در این کمیته ویژه بررسی می‌کردند و اگر احساس می‌شد که یک کار منطقی است و علیه منافع بلندمدت بنیاد نخواهد بود، طرح به کارکنان داخلی و دیگر افسران بنیاد بدون اینکه از منشأ طرح پیشنهادی اطلاع داشته باشند، منتقل می‌گردید.»

در ۲۱ ژانویه ۱۹۵۳، آلن دالس که از آینده خود در سیا تحت رهبری آیزنهاور تازه‌وارد احساس ناامنی می‌کرد، در میز ناهار با دوستش دیوید راکفلر ملاقات کرد. راکفلر به شدت تأکید کرد که اگر دالس تصمیم به ترک سازمان بگیرد، منطقاً می‌تواند انتظار داشته باشد که از او برای ریاست بنیاد فورد دعوت شود. نیازی نیست دالس نگران آینده [شغلی] خود باشد. دو روز بعد از این ناهار، نیویورک تایمز این خبر را رفت که: آلن دالس قرار است رئیس سازمان اطلاعات مرکزی (سازمان سیا) شود.

پانوشت:

۱- سرمایه‌گذاری پرخطر
۲- Intercultural Publications
۳- New Directions: مسیرهای نو
۴- Perspectives
۵- مدیر جدید سیا، یعنی تازه به این سمت گمارده شده بود.
۶- Warren Commission کمیته تحقیق و تفحص در مورد قتل جان اف کندی. این کمیسیون توسط رئیس‌جمهور لیندون بی جانسون تشکیل شد.
۷- Wall Street attorney وکیل وال استریت یعنی وکیل کارکشته، زبده و ربطی به مکان خاصی ندارد و از وال استریت برای بیان حرفه‌ای بودن فردی در شغلی و کاری استفاده می‌شود.

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز		جنوب	شرق — غرب	شمال	
۳۳۱۱۰۲۰۲		سعدی ۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳	شهریار ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹	قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵	
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۲۱۹۳	شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴	۶۵۲۲۲۹۳۳	شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶	
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۲۲۹۱	اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳	کرج ۳۲۲۲۴۴۱۱ ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳	مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲	
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۲۱۹۵	چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸	دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸	شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱	

استخدام

مدیر مالی تمام وقت
مدیریت امور مالی شرکت شما را قبول می نمایم
۰۹۱۲۸۴۶۶۸۴۲_۶۶۱۵۷۳۹۲

دعوت به همکاری

موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.
- واحد فنی: ۴ نفر مرد — با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد — با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ — ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی
تویوتا– لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ –۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها
حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی
و ریلی کالای وارداتی صادراتی
ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک افق
خرید– فروش– رهن– اجاره
زمین، ویلا، زمین در شمال منطقه نور– چمستان
(۲۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید.
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵
۷۶۵۰۹۹۸۱

املاک انتظار
فروش ویلا، زمین در شمال منطقه نور– چمستان
(۲۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید.
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

بنایی و خدمات ساختمانی

تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت– اسپیلت– هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز(شناسنامه) جک S۳ به رنگ مشکی مدل ۱۴۰۳ به شماره انتظامی ۴۱۴ س ۵۲– ایران ۴۸ و شماره شاسی NAKSGv۷۴۲۰RB۱۴۶۶۸۸ و شماره موتور HFC۴GB۳.۳DR۰۰۰۵۴۳۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز وانت سیستم پیکان تیپ ۱۶۰۰۱ رنگ سفید –روغنی مدل ۱۳۸۳ به شماره موتور ۱۱۲۸۲۰۳۷۳۲۱ و شماره شاسی ۸۲۹۲۶۴۹۰ و دارای ۴ سیلندر و دو محور به شماره پلاک ۶۴۶س۳۴ایران ۴۷ به نام محمد داوود آبادی فراهانی به کد ملی ۰۵۳۸۷۹۹۳۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (اراک)

برگ سبزموتورسیکلت سیستم کلیک به رنگ مشکی مدل ۱۳۹۹ به شماره موتور۵۳۱۷۰۲ و۰۱۴۹NBJ و شماره شاسی ۵۵۶۷۳ NBJEAFGFKLBS به شماره انتظامی –۴۹۳۹۱ایران۵۳۴ به نام علی عباسی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شنا سنا مه) موتورسیکلت پرواز ۱۲۵CC به رنگ زرد مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ۲۶۶۹۷– ایران ۶۳۱ و شماره موتور ۰۱۲۵N۲N۳۹۵۶۱۳ و شماره تنه N۲N***۱۲۵R۹۴۲۲۸۲۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ فروش(سند کمپانی) خودرو وانت اریسان مدل ۱۴۰۲ به شماره شاسی NAABA۶C۰EYPA۳۷۷۵۹CNG ۱۲۵K۰۲۳۸۷۴۴۲ به شماره موتور ۸۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است .(قم)

سند کمپانی خودرو سواری سمند LX-EF۷ به‌شماره‌پلاک۱۳۵ ج۱۸ ایران ۱۴ به رنگ سفید– روغنی مدل ۱۳۹۴ و شماره موتور ۱۴۷H۰۱۵۸۳۴۸ و شماره شاسی NAACR۱HW۳FF۶۰۸۶۸۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری هاچ‌بک پژو ۲۰۶ به‌شماره‌پلاک ۹۹۲ ن ۵۲ ایران ۱۴ به رنگ مشکی مدل ۱۳۸۱ و شماره موتور ۱۰FSE۳۳۸۵۴۳۲۱ و شماره شاسی IN۸۱۶۰۸۷۳۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودروسواری رنو TONDAR۹۰K۴M به شماره انتظامی۲۹۸ و ۶۳ ایران ۷۳ مدل۹۱ موتور۱۰۰۰۱۴۰۶۷RD۲۱۵۳۷۴ شاسی NAALSRALDDA ۲۲۶۴۱۱ به نام مهوش رنجبر مفقود و از درجه اعتبار ساقط است(شیراز)

برگ سبز خودروی سواری پژو۴۰۵. جی تی ایکس .رنگ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۸ به شماره انتظامی ۹۵۳ل ۳۳ایران ۸۳و شماره موتور۱۲۴۸۸۲۶۵۴۴۳ و شماره شاسی NAAM۰۱CA۹AR۳۱۶۲۴۵ بنام نوراله صفری مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد(آباده)

برگ سبز خودرو سواری پراید هاچ بک مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید شماره موتور M۱۵/۹۸۴۷۲۷۲ شماره‌شاسی NAS۸۴۱۱۰۰N۳۴۵۳۷۲۳ شماره پلاک ۱۲۱ص۹۶ ایران ۵۱ بنام بیان شریعتی مفقود گردید از درجه اعتبار ساقط می باشد. سنندج

مجوزحمل شکاری کالیبر ۱۲ شماره بدنه ۱۳۶۲۵ بامشخصات شاهین K SH ۶۵۷۵۴۱۵ اینجانب محمدرضا کرمی با کد ملی ۵۵۹۹۰۳۷۹۶ مفقود وازدرجه اعتبارساقط میباشد.
بوئین زهرا

«آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت سوم»
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب اکبر عبدی فرزند اسرافیل به شماره شناسنامه ۵۲۱ صادره از مراغه به شماره کدملی ۱۵۵۰۹۱۶۳۱۹ در مقطع کارشناسی رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی بناب با شماره ۱۱۳۶۹۵ –۱ –۸۸/۱/۱۵ ۱۲۷۰۴ – ۱۴۴۰۰۵۷۶۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب به نشانی شهرستان بناب دانشگاه آزاد واحد بناب ارسال نمایند.

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته
منتشر می‌گردد

اینجانب فایز نظری بزی مالک وانت دو کابین مزدا بی ۲۰۰۰ آی به شماره انتظامی۱۳۹۶۲۸ ایران ۸۳ موتور ۵۴۸۵۵۵ FE شاسی NAGCPX۲PC۱۹E۲۴۸۶۵ به علت مفقودی سند کمپانی تقاضای رونوشت المثنی نموده ام چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف ده روز از تاریخ درج آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به اداره فروش گروه بهمن واقع در تهران مراجعه نماید . بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهد شد . ضمنا مدارک مفقود شده فاقد اعتبار است.مدت اعتبار این آگهی یکسال است . (شیراز)

آگهی فقدان مدرک تحصیلی (نوبت سوم)
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب یوسف کرم اله چعب فرزند ویدون به شماره شناسنامه ۱۸۷۰۳۶۵۶۰۷ صادره از شوشتر درمقطع کاردانی پیوسته رشته امور زراعی وباغی_تکنولوژی تولیدات زراعی صادره از واحد دانشگاهی شوشتر شماره ۱۲۹۵۲۰۴۰۰۷۵۵ مفقود گردیده است وفاقد هرگونه اعتبار می باشد، ازیابنده تقاضامی شوداصل مدرک رابه دانشگاه آزاداسلامی واحدشوشتربه نشانی شوشتر–منطقه شوشترنو–بلوارداشگاه – دانشگاه آزاداسلامی واحد شوشتر – کدپستی ۶۴۵۱۷۴۱۱۱۷.ارسال نماید. (شوشتر)

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی نوبت سوم
بدینوسیله اعلام میگردد مدرک تحصیلی کارشناسی ناپیوسته شماره ۴۱۷۷۸۸۳ مورخ ۱۳۹۴/۹/۱۴ متعلق به اینجانب مهدی ثنائی به ش ش ۶۶۷۹ صادره از گنبدکاووس فرزند محمد علی متولد ۱۳۶۷/۶/۳۰ از مرکز آموزش علمی کاربردی دادگستری کل استان گلستان رشته کارشناسی حرفه ای حقوق ، حقوق ثبتی در تاریخ شهریور ۱۳۹۴ دریافت نموده ام، از درجه اعتبار ساقط است، از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه مربوطه ارسال نماید./ گنبدکاووس

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی نوبت سوم
بدینوسیله اعلام میگردد مدرک تحصیلی کارشناسی ناپیوسته شماره ۱۶۲۷۴۸۴ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۲ متعلق به اینجانب مهدی ثنائی به ش ش ۶۶۷۹ صادره از گنبدکاووس فرزند محمد علی متولد ۱۳۶۷/۶/۳۰ از مرکز آموزش علمی کاربردی دادگستری کل استان گلستان رشته کاردانی حقوق قضایی گرایش علوم ثبتی در تاریخ تیرماه ۱۳۹۲ دریافت نموده ام از درجه اعتبار ساقط است ، از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه مربوطه ارسال نماید. گنبدکاووس

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۳

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۲/۰۰۰/۰۰۰	۲۱/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۷۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۰۴۰/۰۰۰	۷/۰۲۰/۰۰۰	۳/۵۱۰/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۱۶۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس:.....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸–۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲–۰۲۱
امور مشترکین موسسه کیهان

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید